آشنایی با جریان القاعده پاکستان

حجت الاسلام و المسلمین مصطفی اسکندری

مقدمه

القاعده یکی از گروه های افراط گرای چند ملیتی است که مقر فرماندهی و بخشی از نیروهای عملیاتی آن در خاک پاکستان قرار دارد. القاعده فرزند نامشروعی است که از پیوند بین وهابیت با اندیشه جهادی متولد شده است، لذا گروهی فوق العاده خطرناک است.

القاعده در پاکستان محصول پیوند ایدئولوژیک مکتب دیوبندیسم و سلفی گری است. ورود سلفی گری به پاکستان به دوره جهاد مجاهدین افغانستان علیه اشغال این کشور توسط اتحاد جماهیر شوروی سابق بر می گردد. در اوایل 1980 «سازمان مکتب الخدمه» برای استخدام نفراتی از کشورهای اسلامی به منظور مبارزه علیه کمونیست ها، توسط اسامه بن لادن و با حمایت لجستیکی، آموزشی و معنوی عربستان، پاکستان و امریکا تأسیس شد. این تشکیلات در سال 1988 م. به سازمان «القاعده» - به معنای پایگاه جهاد یا «قاعدة الجهاد»- تغییر نام داد. لذا می توان گفت مهم ترین علت حضور القاعده در جنوب آسیا، مسائل پاکستان و افغانستان است.[1]

ورود بن لادن به عنوان رهبر القاعده به افغانستان بدین صورت بود که در آویل 1996میلادی، مقامات سیاسی - امنیتی پاکستان تصمیم گرفتنند بن لادن را برای پیشبرد مقاصد راهبردی خویش در افغانستان به خدمت بگیرند، لذا او را با پرواز اختصاصی از سودان به اسلام آباد و سپس به افغانستان انتقال دادند. در این زمان پیوند خویشاوندی او را با ملا محمد عمر برقرار ساختند و هر یک با دختر دیگری ازدواج کرد.[2]

بعد از جنگ افغانستان، القاعده وارد پاکستان شد. حکومت پاکستان در دوره مشرف، رویکردی تعاملی را با القاعده در پیش گرفت و قرارداد آتش بس بین دولت مشرف و سران قبایل در 2006میلادی، فرصت کافی را در اختیار القاعده گذاشت تا شبکه خود را در شرایط امن سامان دهد و موفق به یارگیری از داخل

پاکستان شود.

اکثر نیروهای القاعده از قوم پشتون هستند و پایگاه های القاعده بیشتر در ایالت خیبر، بلوچستان و مناطق قبایلی است.[3]اکثر افراد سرشناس القاعده در پاکستان، اصالتاً عرب هستند، اما به طرز عجیبی با جامعه و فرهنگ پاکستانی پیوند خورده اند.[4]مناطق قبایلی محل تلاقی القاعده عرب، شبه قاره هند و آسیای مرکزی است.

بیش از 2000 نیروی خارجی عضو القاعده در منطقه قبایلی پاکستان پراکنده اند. این نیروها، عمدتاً مبارزانی از اعضای «جنبش اسلامی ازبکستان»، «جهاد اسلامی مصر»، «مجاهدین اسلامی لیبی»، و «جنبش اسلامی ترکستان شرقی»، محسوب می شوند. یکی از شاخه های قدرتمند القاعده در مناطق قبایلی، جنگجویان ازبک به رهبری «ظاهر یولداشف» هستند.[5] یولداش از رهبران اسلام گرای آسیای مرکزی شمرده می شد و افراد تحت امر او عمدتاً ازبک، تاجیک و قرقیز بودند.[6]

حدود 200 تا 300 جنگجوی اویغور نیز در مناطق قبایلی پاکستان در کنار سایر نیروها فعالند. کارکرد این نیروها ایجاد ناآرامی در ایالت «سین کیانگ» چین است، با این حال مأموریت محلی در پاکستان نیز دارند. آنها اصلی ترین نیرویی هستند که اتباع چین در پاکستان را هدف قرار می دهند....تعداد نیروهای چچنی در مناطق قبایلی نیز حدود 300 نفر است. اغلب این نیروها درجامعه قبیله ای منطقه مستحیل شده اند و از پایگاه اجتماعی درخوری برخوردارند.[7]

القاعده علاوه بر نیروهای آشکار، دارای یک ارتش مخفی نیز می باشد که «لشکر الظل» خوانده می شود.[8]

در مورد القاعده نکات متعددی قابل ذکر است که بررسی اجمالی آنها در پی خواهد آمد.

1. عوامل مؤثر در شکل گیری القاعده پاکستان

ایدئولوژی وهابی، فرقه دیوبندی، قومیت پشتون، وجود مناطق قبیله ای خود مختار، شرایط جغرافیایی ایالت خیبر، فقر اقتصادی، و وضعیت امنیتی پاکستان، همگی از عواملی هستند که در شکل گیری القاعده در پاکستان مؤثر بودند.

وجود افکار متعصبانه قومی- قبیله ای در محیط اجتماعی پاکستان، نقش فزاینده اسلام در تحولات سیاسی کشور، فعالیت منسجم و مؤثر پیروان مکتب دیوبندی، وجود مدارس مذهبی و مداخله کشورهای خارجی به ویژه عربستان، نیز از عمده ترین بسترهای فکری- اجتماعی رشد القاعده در پاکستان است.

القاعده پاکستان توانسته است با تلفیق ایدئولوژیهای قومی و مذهبی مانند دیوبندیسم، پشتونیسم و سلفیسم که در مؤلفه ای راهبردی یعنی «جهاد» به یکدیگر پیوند خورده اند، چشمه جوشانی برای تقویت و تعمیق خود مهیا کند. آنها آیین جهاد را یگانه راه مبارزه با کفر و شرک، به ویژه مبارزه با مکتب اهل بیت علیهم السلام، و اولیای مقدس که در منطقه رواج دارد می دانند. آیین «دیوبندی» در این هدف با سلفیسم وهابی مشترک است. آنها تا امروز بیش از 40 هزار مدرسه مذهبی در هند، پاکستان و آسیای مرکزی و همچنین افغانستان تأسیس کرده اند.[9]

2. ایدئولوژی و نظام فکری القاعده

نظام فکری القاعده آمیخته ای از: سلفیسم، دیوبندیسم، قومیت گرایی پشتون، و جهادگرایی، بیگانه ستیزی، انترناسیونالیسم و جهانوطنی است که به دنبال تأسیس امارت اسلامی جهت دولت سازی ایدئولوژیک و اجرای شریعت اسلام است، اما به شدت فرقه گراست و تفکر حذفی و تکفیری دارد.

از مهمترین اصول مذهب وهابیون که القاعده اکنون در عملکرد خود به آن توسل می جوید، تکفیر هر مسلمانی است که با عقیده آنان همرأی نباشد.[10] اما در تفکر تکفیری القاعده، شیعه اولویت دارد و مقدم بر دیگران است. علاوه بر موارد یاد شده القاعده دارای باورهای آنارشیک است و با سیستم مرکزی ضدیت دارد.

القاعده در عین حال که ناسازگار با دولت مرکزی است و گرایش های آنارشیک دارد، اما با توجه به رابطه با سرویس اطلاعات پاکستان در دوره جنگ افغانستان، هم اکنون با ارتش پاکستان ارتباط سری دارد. علل این ارتباط به مسائل راهبردی چون تحولات کشمیر و افغانستان بر می گردد، و لذا لشکر طیبه به عنوان یکی از بازوهای القاعده در شبه قاره، همواره از حمایت ارتش پاکستان برخوردار بوده است.

اکثر سازمان های جهادی کشمیری در پیروی از آموزه های رادیکالیسم اسلامی، متحدان القاعده و عضو جبهه بین المللی اسلامی هستند. راهبرد این گروه ها با منافع پاکستان سازگار و علیه هند تدوین شده است. این فرایند باعث شد تا القاعده در کشمیر نیز حضور یابد و منطقه کشمیر به یکی از منابع مهم

استخدام نیروهای افراطی القاعده تبدیل شود. [البته] پس از 11 سپتامبر 2001 میلادی و چرخش ناگهانی مشرف و ارتش به سوی اتحاد با آمریکا برای مقابله با القاعده و طالبان، رشته های این پیوند به تدریج از هم گسسته شد.[11]

3. نحوه جذب و آموزش نیرو توسط القاعده

القاعده از طریق ابزارهای ارتباطی مدرن به جذب نیرو و کادرسازی می پردازد. در جذب نیرو نیز از شیوه های زیر بهره می برد.

نفوذ در مدارس مذهبی و به کار گرفتن طلاب خارجی این مدارس؛یارگیری و اجاره نیروهای رزمی از گروه های افراط گرای پاکستانی- کشمیری؛جذب مهاجرن افغان در کویته، پیشاور و مناطق قبایلی؛استخدام میلیشای قبایل در قبال پرداخت مبالغ مختلف؛انتقال عناصر اروپایی، عرب و آفریقایی القاعده به مناطق قبایلی پاکستان؛جذب نیرو از طریق کشورهای عربی خلیج فارس مانند گروه های سلفی قطری، اماراتی و سعودی خصوصاً که در مدارس این کشورها شبکه های سازمان یافته ای وجود دارند که برای جذب نیرو و اعزام آنها به پاکستان فعالیت می کنند.[12]

نیروهایی که در کشورهای دیگر مراحل جذب اولیه آنها فراهم شده، وارد پیشاور می شوند. پیشاور پاکستان نقطه تماس نیروهای تازه وارد القاعده است و از این طریق به مراکز القاعده در پاکستان هدایت می شوند.

در نظام القاعده، فرد تازه وارد در «مأسدة الانصار» ثبت نام شده و کلاس های عمومی را می گذراند. به شرط تمایل برای کسب آمادگی اولیه به «بیت الضیافة» معرفی می شود، بعد از تأیید امنیتی و تکمیل شناسایی اولیه به «بیت الانصار»، سپس به «بیت الشهداء» و در مرحله آخر به اردوگاه آموزش نظامی معرفی می‌شود و با پایان آموزش های نظامی و اعتقادی، افراد مستعد به شکل ویژه گزینش شده و برای آموزش های تشکیلاتی به «بیت المرابطین» معرفی می شوند و در پایان با عضویت در «اردوگاه الخلافه» سازماندهی می شوند و با گذراندن مأموریت های آموزشی و آزمایشی در هسته های عملیاتی قرار می گیرند و به عنوان هسته های خاموش آماده اوامر القاعده در هر نقطه از دنیا هستند.[13]

القاعده و تحریک طالبان پاکستان پایگاه های مشترک آموزشی در پاکستان دارند. مراکز و پایگاه های

مشترک آموزشی القاعده و تحریک طالبان در مناطق قبایلی هفتگانه است: مناطق «میرعلی» و «میران شاه» در وزیرستان شمالی، «وانا» و «جندوله» در وزیرستان جنوبی، «خار» در باجور، مالاکند و کوهستان.[14]

مربیان نسل اول القاعده عمدتاً افسران ارتش مصر و یمن بودند، اما بعد از 2011 میلادی مربیان القاعده در پاکستان، غالباً پاکستانی هستند.[15] اگرچه شواهدی وجود دارد که از آموزش نیروهای القاعده توسط رژیم صهیونیستی حکایت می کند.[16]

4. القاعده و توسعه قلمرو عملیات

فعالیت القاعده در ابتداء تشکیل، محدود به افغانستان بود، اما بعد از حملات 11 سپتامبر 2001 میلادی به شبکه ای فرامنطقه ای تبدیل شده، و موج اول حملات را در سه کشور: یمن، کنیا، و اندونزی، انجام داد. موج دوم در اکتبر و نوامبر 2002 میلادی، در دو کشور عربستان و مراکش، موج سوم در آگوست 2003میلادی در عراق و مالزی و موج چهارم در نوامبر 2003 میلادی، در عراق و عربستان و موج پنجم در در 2003 میلادی، در ترکیه، اسپانیا، ایران و عراق، صورت گرفت.

در سطوح منطقه ای نیز حملات متعددی را در افغانستان، هند، کشمیر و پاکستان انجام داده است.

ترور بی نظیر بوتو طی رقابت های پارلمانی در 27 دسامبر 2007 میلادی در راولپندی، انجام حملات فرقه ای علیه شیعیان در پاراچنار که از ابتدای 2007 به اوج خود رسید و تا سال 2012 ادامه داشت.[17]

در پاراچنار عناصر خارجی القاعده نقش مهمی در کشتار شیعیان ایفا کردند. گفته می شود این عملیات با همکاری مشترک القاعده و تحریک طالبان پاکستان برای رسیدن به اهداف سیاسی و ایدئولوژیک صورت گرفت.

القاعده دارای شبکه ارتباطی بسیار پیچیده و پیشرفته با استفاده از اینترنت، شبکه های اجتماعی، و شبکه های ماهواره ای عربی، و استفاده از شبکه گوشی های همراه است. از سایت های مربوط به القاعده سایت شیخ «ابی مصعب السوری»، سایت شیخ «ابی قتاده الفلسطینی»، سایت شیخ «ابی بصیر الطرطوسی»، سایت شیخ «ابی محمد المقدسی»، و «منبر التوحید و الجهاد»، است. سایت های«انصار المجاهدین»، و

«الفداء» نیز پیام های صوتی و تصویری گروه را منتشر می کنند.

مرکز رسانه ای القاعده «مؤسسه سحاب» بود که بخشی از «مرکز بین المللی فجر» بود.[18]

5. راهبرد عملیاتی القاعده

راهبرد نظامی القاعده قبل از 11 سپتامبر 2011 میلادی، بر مبنای «راهبرد تهاجمی» یعنی تکثیر بحران در کشورهای هدف از طریق حملات پر سر و صدا، بمب گذاری و ارعاب عمومی بوده است. پس از حمله آمریکا به افغانستان و کشته شدن بسیاری از کادر رهبری القاعده، این سازمان به «راهبرد تدافعی فعال» یعنی نبرد فرسایشی و غافلگیرانه روی آورد. بعد از 2010میلادی، و افزایش محدودیت های کنترلی و حملات هوایی آمریکا علیه سران القاعده، راهبرد تدافعی گروه تعمیق یافته و به سمت «راهبرد تدافعی منفعل»، جنگ های نامتقارن و اقدامات مخفیانه و زیر زمینی متمایل شده است.[19]

6. تاکتیک عملیاتی- نظامی القاعده

در اواخر 2009میلادی، فشار آمریکا و ناتو بر پاکستان موجب شد ارتش پاکستان عملکرد فعال تری در مقابله با القاعده داشته باشد، اما القاعده در اکثر ردهای ارتش نفوذ دارد. در دوره جدید تحت عنوان مبارزه جهانی با تروریسم ارتش پاکستان فشار بیشتری بر القاعده وارد می آورد و چند تن از سران آنها را تا به حال دستگیر کرده است.[20]اما القاعده برای حفظ خود از تاکتیک نفوذ بهره گرفته است که یکی از آنها نفوذ در نهادهای امنیتی ارتش پاکستان بوده است، بطوری که بسیاری از عملیات های طراحی شده توسط نهادهای امنیتی و ارتش برای بازداشت یا کشتن اعضای القاعده با شکست مواجه شده است.[21]

7. تاکتیک فرهنگی – مذهبی

مهم ترین تاکتیک القاعده در عرصه منطقه ای نفوذ معنوی بر نهادهای فرهنگی و مدارس سنی مذهب است. اهمیت و جایگاه مساجد، دانشگاه ها، محافل و مدارس مذهبی پاکستان برای القاعده به میزانی است که از آن به عنوان نماد و مظهر «آموزش جنگجویان مقدس» یاد می شود. تعدادی از این مدارس در حال صدور بینش خاص خود از جهاد، به سراسر دنیا هستند، برای نمونه رئیس مدرسه «خدام الدین» اظهار داشته است که این مدرسه در حال آموزش دانش آموزان متعددی از کشورهای برمه، نپال، چچن، بنگلادش، افغانستان،

یمن، مغولستان و کویت است. همچنین طلابی از کشورهای ازبکستان، تاجیکستان، روسیه و ترکیه در مدرسه مذهبی «دار العلوم حقانیه» تعلیم می بینند.[22]

8. عملکرد القاعده

القاعده همانند هر یک از دیگر گروه های سلفی، برجسته ترین عملکردش مانعیت در برابر وحدت مسلمانان است، زیرا منادی نوعی برداشت خاص از اسلام است و برداشت های دیگر را بدعت می داند. این ایدئولوژی به تکفیر غیر خودی ها می پردازد و صفوف مسلمانان را پراکنده می کند. اما عملکرد القاعده به مانعیت در برابر وحدت مسلمانان محدود نیست، بلکه عملکرد القاعده این گروه افراطی را به ابزاری در دست دشمنان مسلمانان تبدیل کرده است، زیرا القاعده با شعارها و عملکردهای رادیکالی موجب شد «جنگ بین اسلام و کفر» به بدبینی و «نزاع مسلمان با مسلمان» تبدیل شود که همان آرمان راهبردی صهیونیست ها است که همواره خواستهاند توجه مسلمانان به مسائلی غیر از فلسطین جلب شود.[23]

9. عوامل پایداری و قدرت یابی القاعده

القاعده با اینکه سال هاست هدف یورش های قدرت هایی مثل آمریکا قرار دارد، اما تا به حال موفق به پایداری و حفظ توان خود شده است. این قضیه نتیجه عوامل مختلفی است که موراد زیر را می توان به عنوان مهم ترین آنها ذکر کرد.

ایدئولوژیک بودن مبارزه: القاعده از مبانی و مفاهیم ایدئولوژیک مانند جهاد جهانی علیه ایدئولوژی های معارض همچون مارکسیسم استفاده کرد.داشتن سرمایه های بی پایان:
سرمایه های هنگفت سران القاعده و حامیان آشکار و پنهان آنها موجب جذب نیرو، تأمین تجهیزات و تحرک سازمانی شده است.جذابیت حرکت های مسلحانه برای جوانان افراطی: جوانان سلفی رادیکال به محض آشنایی با حرکت های نظامی و انقلابی جذب سازمان القاعده شدند.

عملیات 11 سپتامبر 2001میلادی، که القاعده مدعی انجام آن بود موجب محبوبیت قابل توجه آن در بین مسلمانان و زمینه ای شد تا مبارزانی از مرکز، جنوب و جنوب شرق آسیا، آفریقای شمالی و شرقی، خاورمیانه، بالکان و همچنین مسلمانان مهاجر و مستقر در اروپا، آمریکای شمالی و استرالیا را به خدمت بگیرد.

10. راه مقابله با القاعده

راه مقابله با القاعده بسیار پیچیده و مشکل است، اما در این زمینه از دو نکته نباید غفلت کرد.

اول- استفاده از پیامدهای برخی کارهای القاعده که گریبانگیر مسلمانان شده است. برای مثال، هرچند عملیات 11 سپتامبر 2001 میلادی موجب محبوبیت القاعده، در بین مسلمانان زخم خورده از آمریکا شد، و زمینه جذب بسیاری از جوانان مسلمان به این گروه گردید، اما پیامدهای آن که متوجه افغانستان و عراق شد، و کاهش محبوبیت این گروه وطرفداران آن را در پی داشت، می‌تواند زمینه خوبی برای تبلیغ علیه این گروه باشد.

دوم- جلب همکاری سران قبایل و ایجاد اصلاحات اقتصادی در این مناطق است که البته امری، به لحاظ اقتصادی هزینه بر است.

11. خطر القاعده برای انقلاب اسلامی

القاعده محصول همکاری استکبار غربی، ارتجاع عرب و پاکستان است، اما امروزه عملیات 11 سپتامبر 2001 میلادی، موجب شد آمریکا وارد درگیری با این گروه شود، و کشورهایی مانند عربستان و رژیم صهیونیستی نیز به مخالفت با این گروه برخیزند، اما عربستان علی رغم اظهار مخالفت ظاهری، از القاعده حمایت می‌کند، چون خصوصاً بعد از 2004 میلادی، القاعده به ابزار فشار و اجرای سیاست‌های عربستان در عراق، لبنان و یمن تبدیل شده است. مخالفت ظاهری عربستان با القاعده نیز بخشی به خاطر این بود که بن لادن نظام سیاسی عشیره‌ای عربستان را همراه سیاست‌های ضد اسلامی آمریکا در منطقه خواند. شواهدی نیز از آموزش نیروهای القاعده توسط رژیم صهیونیستی حکایت دارد، لذا روی این مخالفت‌های ظاهری نمی‌توان حساب کرد. خصوصاً که آمریکا می‌تواند به عنوان یک نیروی نیابتی از القاعده در برابر نظام جمهوری اسلامی ایران استفاده کند.

از سوی دیگر، بسیاری از دشمنان اسلام با نفوذ در القاعده تلاش خواهند کرد انرژی عملیاتی آن را متوجه اهدافی در درون جهان اسلام کنند. بنا بر این هر کشور اسلامی که گرفتار بی نظمی و شورش اجتماعی خشونت بار در آینده شود، مکان بسیار مناسبی برای تجدید حیات و بقای القاعده خواهد بود. دامن زدن به جنگ شیعه وسنی و بی ثبات کردن کشورهای نا همسو با غرب از جمله سوریه، لبنان، عراق، و حتی بحرین در زمره تغییرات مأموریتی القاعده قرار خواهد گرفت.

در این میان، در بین کشورهای اسلامی، بدون شک ایران در رأس اهداف استکبار است. یکی از راه های گرفتار کردن ایران، گرفتار کردن آن به درگیری‌های فرقه ای مذهبی است، و این چیزی است که در سال های اخیر در دستور کار اهل سنت لجوج و تکفیری، و شیعیان ضد انقلاب یا ناآگاه به وضعیت جهان قرار گرفته است.

ناگفته نماند برخی فعالیت های برخی مؤسسات مدعی تقریب همانند مؤسسه اتحادیه بین المللی امت واحده و مؤسسه اخوت، در تحریک شیعیان نا آگاه بسیار تأثیرگذار است.

از جانب سوم، القاعده در پی دسترسی به اورانیوم غنی شده از طریق پاکستان است تا بتواند در عملیات انتحاری از آن استفاده کند، چیزی که پاکستان را با یک فاجعه روبه رو خواهد کرد.[24] روشن است که دسترسی هر یک از گروه های افراطی به هرگونه سلاح هسته ای، شیمیایی و بیولوژیک می تواند جهان اسلام، بلکه کل جهان را با یک فاجعه رو به رو کند.

12. رهبری القاعده

بعد از کشته شدن اسامه بن لادن، ایمن الظواهری در دوم می 2011 میلادی، رهبری جدید شبکه را بر عهده گرفت. احمد فاروق نیز سخنگوی جناح پاکستانی القاعده است.

[1] . جریان های افراطی پاکستان، ص 153.

[2] . جریان های افراطی پاکستان، ص 181.

[3] . جریان های افراطی در پاکستان، ص 143.

[4] . جریان های افراطی در پاکستان، ص 153.

[5] . جریان های افراطی در پاکستان، ص 154.

[6] . جریان های افراطی در پاکستان، ص 155.

[7] . جریان های افراطی در پاکستان، ص 155.

[8] . جریان های تکفیری در پاکستان، ص 155.

[9] . جریان های افراطی در پاکستان، ص 149.

[10] . جریان های افراطی در پاکستان، ص 150.

[11] . جریان های افراطی در پاکستان، ص 160 و 161.

[12] . جریان های افراطی در پاکستان، ص 175و 176.

[13] . جریان های افراطی در پاکستان، ص 178.

[14] . ر.ک: جریان های افراطی در پاکستان، ص 176.

[15] . جریان های افراطی در پاکستان، ص 178.

[16] . جریان های افراطی در پاکستان، ص 197.

[17] . جریان های افراطی در پاکستان، ص 177 و178.

[18] . ر.ک: جریان های افراطی در پاکستان، ص 179 و 180.

[19] . جریان های افراطی در پاکستان، ص 186.

[20] . جریان های افراطی در پاکستان، ص 181.

[21] . جریان های افراطی در پاکستان، ص 189.

[22] . جریان های افراطی در پاکستان، ص 188.

[23] . ر.ک: جریان های افراطی در پاکستان، ص 201.

[24] . ر.ک: جریان های افراطی در پاکستان، ص 190 و 191.